

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان تحقیق:

تواضع و فروتنی

تهیه کننده:

طاهره فتاحی

استاد مربوطه:

استاد باباپور

تواضع و فروتنی

اشاره

ناگفته پیداست که تواضع و فروتنی نقطه مقابل تکبر و فخرفروشی است و جدا سازی بحثهای کامل این دو از یکدیگر مشکل یا غیر ممکن است و لذا هم در آیات و روایات اسلامی و هم در کلمات بزرگان اخلاق این دو به یکدیگر آمیخته شده است، نکوهش از یکی ملازم تمجید و ستایش از دیگری است و ستایش از یکی همراه با نکوهش از

دیگری می‌باشد، درست مثل اینکه بحثهای مربوط به ستایش و تمجید از علم جدای از نکوهش از جهل نیست و نکوهش از جهل همراه ستایش علم است.

با این حال مفهوم این سخن آن نیست که ما بحثهای مربوط به تواضع را نادیده گرفته و به آنچه در بحث زشتی تکبر و استکبار گفتیم بسنده کنیم. بخصوص اینکه نسبت بین تکبر و تواضع به اصطلاح نسبت میان ضدین است نه وجود و عدم. هم تکبر یک صفت وجودی است و هم تواضع و هر دو در مقابل یکدیگر قرار دارند، نه از قبیل وجود و عدم که سخن از یکی الزاما همراه با نفی دیگری باشد.

در روایات اسلامی نیز به این معنی اشاره شده است از جمله از علی (ع) می‌خوانیم: «ضادوا الکبر بالتواضع؛ به وسیله تواضع با تکبر که ضد آن است مقابله کنید».<sup>(۱)</sup>

با این اشاره به قرآن باز می‌گردیم و آیات مربوط به مساله تواضع را گلچین کرده، مورد بررسی قرار می‌دهیم (هر چند آیاتی که به کنایه یا به ملازمه به آن اشاره می‌کند بیش از اینها است).

۱- یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فسوف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین اعزه علی الکافرین... (سوره مائده، آیه ۵۴)

۲- و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجهلون قالوا سلاما (سوره فرقان، آیه ۶۳)

۳- و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین (سوره شعراء، آیه ۲۱۵)

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد (به خدا زیانی نمی‌رساند)؛ خداوند به زودی جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع، در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.

۲- بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و بابتی اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).

۳- (ای پیامبر) بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر (و نسبت به آنها تواضع و مهربانی کن).

### تفسیر و جمع بندی

در نخستین آیه مورد بحث سخن از گروهی از مؤمنان به میان آمده که مشمول فضل و عنایات الهی هستند هم خدا را دوست می‌دارند و هم محبوب پروردگارند.

یکی از اوصاف بارز آنها این است که در برابر مؤمنان متواضعند: (اذلّة علی المؤمنین) و در برابر کافران نیرومند و قوی هستند (اعزة علی الکافرین).

«اذلّة» جمع «ذلّول» و «ذلیل» از ماده «ذل» (بر وزن حر) در اصل به معنی نرمی و ملایمت و تسلیم است در حالی که «اعزة» جمع «عزیز» از ماده «عزة» به معنی شدت است، حیوانات رام را «ذلّول» می‌گویند چون ملایم و تسلیمند و «تذلیل» در آیه ذلت قطفوها تذلیلا اشاره به سهولت چیدن میوه‌های بهشتی است.

گاه ذلت در مواردی به کار می‌رود که معنی منفی دارد و آن در جایی است که از سوی غیر به انسان تحمیل می‌شود و گرنه در ماده این لغت مفهوم منفی ذاتا وجود ندارد (دقت کنید).

به هر حال آیه فوق دلیل روشنی بر اهمیت تواضع و عظمت مقام متواضعین است، تواضعی که از درون جان انسان برخیزد و برای احترام به مؤمنی از مؤمنان و بنده‌ای از بندگان خدا باشد.

در دومین آیه باز اشاره به اوصاف برجسته و فضائل اخلاقی گروهی از بندگان خاص خداست که در طی آیات سوره فرقان از آیه ۶۳ تا آیه ۷۴ دوازده فضیلت بزرگ برای آنها ذکر شده است و جالب اینکه نخستین آنها همان صفت تواضع است، این نشان می‌دهد همان گونه که «تکبر» خطرناک‌ترین ردائل است، تواضع مهم‌ترین یا از مهم‌ترین فضائل می‌باشد، می‌فرماید:

«بندگان خاص خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند» (و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا)

«هون» مصدر است و به معنی نرمی و آرامش و تواضع است و استعمال مصدر در معنی اسم فاعل در اینجا به خاطر تاکید است، یعنی آنها چنان آرام و متواضعند که گویی عین تواضع شده‌اند و به همین دلیل در ادامه آیه می‌فرماید: «و اذا خاطبهم الجهلون قالوا سلاما؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند)».

و در آیه بعد از آن سخن از تواضع آنها در برابر ذات پاک خداست می‌فرماید: «والذین یبیتون لربهم سجدا و قیما؛ آنها کسانی هستند که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می‌کنند (و به بندگی و عبادت می‌پردازند)».

«راغب» در کتاب «مفردات» می‌گوید: «هون» دو معنی دارد یکی از آنها خضوع و نرمشی است که از درون جان انسان بجوشد که این شایسته ستایش است (سپس به آیه مورد بحث اشاره می‌کند) و در حدیث نبوی آمده است المؤمن هین لین. <sup>(۲)</sup> دوم خضوع و تذلل است که از سوی دیگری بر انسان تحمیل شود و او را خوار کند.

ناگفته پیداست که منظور از الذین یمشون علی الارض هونا این نیست که فقط راه رفتن آنها متواضعانه است، بلکه منظور نفی هر گونه کبر و خودخواهی است که در تمام اعمال انسان و حتی در کیفیت راه رفتن که ساده‌ترین کار است آشکار می‌شود، زیرا ملکات اخلاقی همیشه خود را در لایه لایه گفتار و حرکات انسان نشان می‌دهند تا آنجا که در بسیاری از مواقع از چگونگی راه رفتن انسان می‌توان به بسیاری از صفات اخلاقی او راه برد.

آری عباد الرحمن (بندگان خاص خدا) نخستین نشان‌شان همان تواضع است، تواضعی که در تمام ذرات وجودشان نفوذ کرده و حتی در راه رفتن آنها آشکار است و اگر می‌بینیم خداوند در آیه ۳۷ سوره اسراء به پیامبرش دستور می‌دهد «و لا تمش فی الارض مرحا؛ روی زمین با تکبر راه مرو» منظور فقط راه رفتن نیست بلکه هدف، تواضع در همه کار است که نشانه بندگی و عبودیت خداست.

در سومین آیه روی سخن را به پیامبر (ص) کرده، می‌فرماید: «بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند پایین بیاور و (تواضع و محبت کن)؛ و اخفض جناحک لمن اتبعک من المؤمنین»

«خفض» بر وزن «خشم» در اصل به معنی پایین آوردن است و «جناح» به معنی بال می‌باشد. بنابراین «و اخفض جناح» کنایه از تواضع آمیخته با محبت است، همان گونه که پرنده‌گان هر گاه می‌خواهند به جوجه‌های خود اظهار محبت کنند بال و پر خود می‌گسترانند و آنها را زیر بال و پر می‌گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون بمانند و هم از تشنگی و پراکندگی حفظ شوند، پیامبر اسلام (ص) نیز مامور بود بدین گونه مؤمنان را زیر بال و پر خود بگیرد!

این تعبیر بسیار ظریف و پر معنی نکات مختلفی را در عبارت کوتاهی جمع کرده است.

جایی که پیامبر مامور به تواضع آمیخته با محبت در برابر مؤمنان باشد تکلیف افراد امت روشن است چرا که پیغمبر سرمشق و الگو و «اسوه» برای همه امت است.

شبهه همین تعبیر در آیه ۸۸ سوره حجر نیز آمده است آنجا که می‌فرماید: واخفص جناحك للمؤمنين که باز مخاطب در آن شخص پیامبر است و مامور می‌شود برای مؤمنان «خفص جناح» و تواضع آمیخته با محبت داشته باشد.

شبهه این تعبیر با اندک تفاوتی در مورد فرزندان در مقابل پدران و مادران در سوره «اسراء» آمده، آنجا که می‌فرماید: «واخفص لهما جناح الذل من الرحمه؛ بالهای خود را در برابر آن دو (پدر و مادر) از محبت و لطف فرود آر (و تواضعی آمیخته با احترام و محبت در برابر آنان داشته باش)».

از مجموع آنچه در آیات فوق آمده به خوبی استفاده می‌شود که قرآن مجید نه تنها تکبر و استکبار را مورد مذمت قرار داده، بلکه نقطه مقابل آن یعنی تواضع و فروتنی را با تعبیرات گوناگون مورد تمجید قرار داده است.

### تواضع و فروتنی در روایات اسلامی

در منابع شیعه و اهل سنت احادیث فراوانی در مورد تواضع به چشم می‌خورد که بعضی در باره اهمیت تواضع است و بعضی در باره علامت و آثار متواضعان و یا ثمره تواضع و حد و آداب آن می‌باشد.

در اهمیت تواضع تعبیرات بسیار جالبی در روایات آمده:

۱- در حدیثی از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: روزی فرمود: «مالی لاری علیکم حلاوه العباده؟! قالوا و ما حلاوه العباده؟ قال التواضع!؛ چه می‌شود که شیرینی عبادت را در شما نمی‌بینم؟ عرض کردند: شیرینی عبادت چیست؟ فرمود: تواضع است!»<sup>(۳)</sup>

ناگفته پیداست حقیقت عبادت نهایت خضوع در برابر پروردگار است. کسی که شیرینی خضوع و تواضع در برابر خدا را دریابد در برابر خلق خدا نیز متواضع است.

۲- در حدیث دیگری از امیر مؤمنان (ع) آمده است: «علیک بالتواضع فانه من اعظم العباده؛ بر تو باد تواضع که از برترین عبادات است.»<sup>(۴)</sup>

۳- از امام حسن عسکری (ع) نقل شده است که فرمود: «التواضع نعمه لا يحسد عليها؛ تواضع نعمتی است که سبب حسادت دیگران نمی شود».<sup>(۵)</sup>

معمولا هر نعمتی نصیب انسان می شود مزاحمت های حسودان افزوده می گردد و گاه این حسادت چنان فضای زندگی را تنگ می کند که زندگی بر صاحب نعمت مشکل می شود، ولی تواضع از این قاعده کلی مستثنی است، نعمتی است که حسادت حسودان را بر نمی انگیزد.

این بحث دامنه دار را با حدیث دیگری از نبی اکرم (ص) پایان می دهیم:

۴- «بباهی الله تعالى الملائكة بخمسة: بالمجاهدين، والفقراء، والذين يتواضعون لله تعالى، والغنى الذي يعطى الفقراء و لا يمن عليهم، و رجل يبكي في الخلوة من خشية الله عز و جل؛ خداوند به پنج دسته از انسانها به فرشتگان مباحات می کند: مجاهدان (راه خدا)، فقرا (و نیازمندی که دین خود را به دنیا نمی فروشند) و آنها که به خاطر خدا تواضع می کنند و ثروتمندانی که بی منت به مستمندان کمک می نمایند و کسی که در خلوت از خوف خدا گریه می کند!»<sup>(۶)</sup>

در باره ثمرات و آثار مثبت تواضع نیز روایات فراوانی از معصومین به ما رسیده است که چند حدیث پر معنی را در ذیل می آوریم:

در حدیثی از امام امیرالمؤمنین (ع) می خوانیم: «ثمره التواضع المحبة و ثمره الكبر المسبة؛ میوه درخت تواضع محبت است و میوه (شوم) تکبر دشنام و ناسزاگویی مردم است»<sup>(۷)</sup>

در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است: «بخفض الجناح تنتظم الامور؛ با تواضع و محبت کارها نظم و سامان می یابد»<sup>(۸)</sup>

روشن است که نظم جامعه جز در سایه همکاری و همدلی حاصل نمی شود و همکاری و همدلی مردم در صورتی ممکن است که شخص مدیر نخواهد خود را بر آنها تحمیل کند

و یا فخر فروشی کند و خود را برتر از دیگران قلمداد نماید، همیشه مدیرانی موفق هستند که در عین قاطعیت متواضع و پر محبت باشند.

در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) می خوانیم: «التواضع لا یزید العبد الا رفعة فتواضعوا یرفعکم الله!؛ تواضع جز بزرگی بر انسان نمی افزاید پس تواضع کنید تا خداوند شما را بلند مقام سازد!»<sup>(۹)</sup>

گاه چنین تصور می شود که تواضع انسان را کوچک می کند در حالی که این یک برداشت سطحی و نادرست است، همواره می بینیم افراد متواضع در جامعه مورد احترام و دارای عظمت و شخصیت هستند و تواضع بر منزلت آنها می افزاید.

از احادیث اسلامی استفاده می شود که تواضع شرط قبولی عبادات و طاعات است، از جمله در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: «التواضع اصل کل خیر نفیس و مرتبة رفیعة... و من تواضع لله شرفه الله علی کثیر من عباده... و لیس لله عز و جل عبادة یقبلها و یرضیها الا و بابها التواضع، و لایعرف ما فی معنی حقیقه التواضع الا المقربون المستقلین بوحدانیته، قال الله عز و جل و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما...؛ تواضع ریشه هر کار نیک و با ارزش است و مقام والایی است... و هر کس برای خدا تواضع کند خداوند او را بر بسیاری از بندگانش شرافت می بخشد... و هیچ عبادتی برای خدا مورد رضا و قبول نخواهد بود مگر اینکه باب آن تواضع است و حقیقت تواضع را جز مقربانی که مستقل در و حدانیت خداوندند درک نمی کنند، خداوند عز و جل می فرماید: بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که در زمین با تواضع راه می روند و هنگامی که جاهلان آنها را (با سخنان نامناسب) خطاب کنند، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی می گذرند)»<sup>(۱۰)</sup>

این سخن را با حدیثی که از حضرت مسیح (ع) نقل شده است پایان می دهیم. فرمود: «بالتواضع تعمر الحکمة لابلتکبر، کذلک فی السهل ینبت الزرع لافی الجبل!؛ به وسیله تواضع، مزرعه علم و دانش آباد می شود نه با تکبر، همان گونه که زراعت در زمین نرم و هموار می روید نه بر روی کوه!»<sup>(۱۱)</sup>



کوتاه سخن اینکه: تواضع هم در زندگی علمی و فرهنگی انسان اثر می گذارد (چرا که افراد متکبر به خاطر تکبرشان از رسیدن به حق محجوبند) و هم در زندگی اجتماعی (چرا که افراد متواضع از محبوبیت فوق العاده‌ای در اجتماع بهره می گیرند و همه مردم برای آنها احترام خاصی قائلند) و هم در رابطه انسان با خدا مؤثر است چرا که روح عبادت، تواضع و کلید قبولی آن فروتنی است.

در مورد نشانه‌های تواضع نیز روایات جالبی در منابع اسلامی وارد شده است، در حدیثی از امام علی بن ابی طالب (ع) می خوانیم: «ثلاث هن راس التواضع: ان یبدء بالسلام من لقیه، و یرضی بالدون من شرف المجلس، و یکره الریا و السمعة» سه چیز است که سرآغاز تواضع است: نخست اینکه انسان هر کس را ببیند ابتدا به او سلام کند و در پایین مجلس بنشیند و تظاهر ریا و سمعه را ناخوش دارد.<sup>(۱۲)</sup>

در بعضی از روایات نشانه‌های دیگری نیز بر آن افزوده شده است، از جمله: ترک «مراء» و «جدال» یعنی انسان به خاطر برتری جویی با دیگری بحث نکند و دیگر عدم علاقه به اینکه مردم او را بستایند.<sup>(۱۳)</sup>

## ۱- تعریف تواضع

«تواضع» از ماده «وضع» در اصل به معنی فرو نهادن است، این تعبیر در مورد زنان باردار که مولود خود را به دنیا می آورند به عنوان وضع حمل گفته می شود و در مورد خسارت و زیان کرد و کمبود تعبیر «وضیعه» به کار می رود و هنگامی که به عنوان یک صفت اخلاقی گفته می شود مفهومش این است که انسان خود را پایین تر از آنچه موقعیت اجتماعی اوست قرار دهد، به عکس تکبر که مفهومش برتری جویی و قرار دادن خویشتن برتر از موقعیت فردی و اجتماعی اوست.

بعضی از ارباب لغت «تواضع» را به معنی «تذلل» تفسیر کرده اند و منظور از تذلل در اینجا خضوع و فروتنی و تسلیم است.

مرحوم نراقی در «معراج السعادة» در تعریف تواضع می گوید: «تواضع عبارت است از شکسته نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می کند.»<sup>(۱۴)</sup>

تعبیر به «فروتنی» در فارسی دقیقاً همین معنا را می رساند و این مساله از خلال گفتار و رفتار انسانها نمایان می شود.

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا(ع) می خوانیم، سؤال کردند: «ما حد التواضع الذی اذا فعله العبد كان متواضعا؟ فقال: التواضع درجات منها ان يعرف المرء قدر نفسه فينزلها منزلتها بقلب سليم لا يحب ان ياتي الى احد الا مثل ما يؤتى اليه، ان رای سيئه دراهها بالحسنه، كاظم الغيظ، عاف عن الناس، و الله يحب المحسنين؛ حد تواضع که اگر انسان آن را انجام دهد متواضع محسوب می شود چیست؟ فرمود: تواضع درجات و مراحلی دارد: یکی از مراحل آن این است که انسان قدر و موقعیت نفس خویش را بداند و در همان جایگاه با قلب سليم (و پذیرش درونی) جای دهد، دوست نداشته باشد کاری در باره کسی انجام دهد مگر همانند کارهایی که در باره او انجام می دهند (همان گونه که انتظار احترام از دیگران دارد باید دیگران را محترم بشمارد و هر کاری را از سوی دیگران دون شان خود می شمرد در باره دیگران دون شان بشمر.)»

هرگاه بدی از کسی ببیند آن را با نیکی پاسخ دهد، خشم خود را فروبرد، از گناهان مردم درگذرد و آنها را مورد عفو قرار دهد، خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»<sup>(۱۵)</sup>

آنچه در این روایت پرمحتوا آمده، در واقع نشانه های تواضع است که از طریق آن می توان به تعریف تواضع نیز آشنا شد.

در حدیث دیگری از امام باقر(ع) می خوانیم: «التواضع الرضا بالمجلس دون شرفه و ان تسلم على من لقيت و ان تترك المرء و ان كنت محققاً تواضع آن است که به کمتر از جایگاه شایسته خود در مجلس قانع باشی و هرگاه کسی را ملاقات کردی در سلام پیشی بگیری و جر و بحث را رها کنی هر چند حق با تو باشد.»<sup>(۱۶)</sup>

حقیقت این است که تعریف تواضع از نشانه‌های آن جدا نیست؛ چرا که یکی از بهترین راه‌های تعریف یک موضوع، ذکر نشانه‌های گوناگون آن است (دقت کنید).

## ۲- تواضع و کرامت انسان!

معمولا در این گونه مباحث بعضی راه افراط را در پیش می‌گیرند و بعضی راه تفریط، مثلا بعضی تصور می‌کنند حقیقت تواضع آن است که انسان خود را در برابر مردم خوار و بی‌مقدار کند و اعمالی انجام دهد که از نظر مردم بیفتد و نسبت به او سوء ظن پیدا کنند، آن گونه که در حالت بعضی از صوفیه نقل شده است که هنگامی که در یک منطقه به خوشنامی معروف می‌شدند مرتکب اعمال زشت و قبیحی می‌شدند تا از نظر بیفتند، مثلا به بی‌بند و باری در عبادات و خیانت در امانت مردم معروف شوند و مردم آنها را رها کنند و شاید این کار را نوعی تواضع و ریاضت نفس می‌پنداشتند.

اسلام اجازه نمی‌دهد کسی به نام تواضع، خود را تحقیر کند و در نظرها سبک و موهون سازد و کرامت انسانی خویش را پایمال کند، مهم این است که در عین تواضع، شخصیت اجتماعی انسان ضایع نشود و خوار و ذلیل و بی‌مقدار نگردد. اگر تواضع به صورت صحیح انجام شود نه تنها چنین اثری نخواهد داشت بلکه به عکس ارزش او در جامعه بالاتر می‌رود. به همین دلیل در روایات اسلامی از امیر مؤمنان علی (ع) آمده: «بالتواضع تكون الرفعة؛ تواضع انسان را بالا می‌برد!»<sup>(۱۷)</sup>

مرحوم «فیض کاشانی» - رضوان الله علیه - تحت عنوان غایه‌الریاضه فی خلق التواضع می‌گوید: این فضیلت اخلاقی مانند سایر صفات اخلاقی دارای طرف افراط و تفریط و حد وسط است، حد افراط «تکبر» و حد تفریط «پذیرش ذلت و پستی» و حد وسط «تواضع» است. آنچه صفت فضیلت محسوب می‌شود و قابل ستایش است همان کوچکی کردن بدون پذیرش پستی و ذلت است، سپس به ذکر مثالی در اینجا می‌پردازد. می‌گوید: کسی که سعی دارد بر اقران و امثال خود برتری جوید و آنها را پشت سر اندازد متکبر است و کسی که خود را بعد از آنها قرار می‌دهد متواضع است، ولی اگر پاره‌دوزی بر دانشمند بزرگی وارد شود او از جای خود برخیزد و او را به جای خود بنشانند و کفش او را بردارد

و پیش پای او جفت کند و تواضعی در (حد یک عالم بزرگ) نسبت به او روا دارد، این تواضع نیست، نوعی تذلل محسوب می شود، این امر قابل ستایش نیست، چیزی شایسته ستایش است که در حد اعتدال باشد و حق هر کس را نسبت به او ادا کند، در برابر عالم به گونه ای و در برابر افراد دیگر به گونه دیگر.<sup>(۱۸)</sup>

پی نوشتها:

۱- تصنیف غررالحکم، شماره ۵۱۴۸، صفحه ۲۴۹ و شرح غررالحکم، صفحه ۲۳۲، شماره ۵۹۲۰.

۲- کنز العمال، حدیث ۶۹۰.

۳- تنبیه الخواطر (مطابق نقل میزان الحکمه، جلد ۴، حدیث ۲۱۸۲۵)؛ محجۀ البیضاء، جلد ۶، صفحه ۲۲۲.

۴- بحار الانوار، جلد ۷۲، صفحه ۱۱۹، حدیث ۵.

۵- تحف العقول، صفحه ۳۶۳.

۶- مکارم الاخلاق، صفحه ۵۱.

۷- غررالحکم، ۴۶۱۴-۴۶۱۳.

۸- غررالحکم، ۴۳۰۲.

۹- کنز العمال، ۵۷۱۹.

۱۰- بحار الانوار، جلد ۷۲، صفحه ۱۲۱.

۱۱- همان مدرک، جلد ۲، صفحه ۶۲.

۱۲- کنز العمال، حدیث ۸۵۰۶.

۱۳- اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۲، حدیث ۶.

۱۴- معراج السعادة، صفحه ۳۰۰.

۱۵- کافی، جلد ۲، صفحه ۱۲۴.

۱۶- بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۱۷۶.

۱۷- فهرست موضوعی غرر، جلد ۷، صفحه ۴۰۵ (چاپ دانشگاه تهران).

۱۸- المحجة البيضاء، جلد ۶، صفحه ۲۷۱ (با کمی تلخیص).

اخلاق در قرآن جلد دوم صفحه ۶۹ آیت الله مکارم شیرازی